



سمنور تقیان ریاضی‌په‌خوئندانمیان ۰۲۱۳۳۰۰۲۳۳۳۷۰

پله برقی ایستگاه درواز دولت را تعمیر کنند
مدتی است که پله برقی ایستگاه دروازه دولت در ورودی شهید کلاهدوز خراب است و وسایل تعمیر آن در گوشه‌های دیو شده است. هر روز وقت بازگشت از سر کار که باید در این ایستگاه پیاده شوم، امید دارم که پله‌ها درست شده باشد ولی خبری از تعمیر پل نیست. مسئولان شهرداری و مترو هم عنوان می‌کنند قطعه‌ه بدکی نداریم، بودجه بدهند در دست کنیم. این جواب مردمی نیست که خسته و ناچار از این وسایل پروز-احام استفاده می‌کنند. تکلیف سالمندان و افراد ناتوان برای تردد از پله‌ها چیست؟

سלטانی از تهران
توضیحات افراد بلا تکلیف در خصوص یارانه را ابشنوند بسیاری از افرادی که یارانه آنها به‌علت داشتن انومبیل فرزندان و یاکار به خارج رفته‌ ان... که را بتاطی هم با آنها نداشتنه قطع شده است، توضیحاتی دار ند که نیاز واقعی آنها را ثابت می کندولی متأسفانه هیچ جایی برای ارائه این توضیحات وجود ندارد و معترضان به قطع یارانه خود بلا تکلیف و سرگردانند، لذا مسئولان محترم متما باید درباره این موضوع مهم و اساسی فکری بکنند.

محمود بلیغیان از اسفهان
علت گرانی و انبایید صرفا در عملکرد مسئولان دانست
گرانی‌های چند کلای خوراکی قطعا از ناحیه دولت و مسئولان اقتصادی نیست و آنان خیر خواه هستند. این معضل به هر حال گریبانگیر جامعه شد است و منتظا باید ریشه این معضل شناسایی و عاملان آن اعمال قانون شوند.

کلانتری از تهران
دیوار مینائی بزر گراه حکیم یاقوق معتادان شده است
به تا زگی تعداد افرادی بی خانمان و کارتن خواب در پشت دیوارهای مینائی بزر گراه حکیم قاطع شهید ستاری بین فضای سبز اقامت کرده اند. هم صحنه‌های ناهنجار و زنندهای دیده می شود که چهره شهر را زشت کرده و هم امنیت را به خطر انداخته است.از مسئولان تقاضا داریم با این موارد برخورد قانونی و جدی کنند.

کشمیری از تهران
رسال پیام:تازه خوانندگان
۰۲۱۳۳۰۰۲۳۳۹۶

سیستم جدید تأمین اجتماعی در درس تازه آ‌راب‌ر جوع سازمان تأمین اجتماعی به تا زگی وب سایت خود را عوض کرده و سیستم جدید کلی در دسر برای سازمان و آراب‌ر جوع ایجاد کرده است.از جمله این در دسر ها این است که سیم کارت تلفن حتما باید به نام کار فرما باشد. حالاً اگر کار فرما به هر دلیلی نبود، نمی توان لیست در کرد دامسیرهای دست و پا گیر را عوض کنند.

محمدرضا از رشت
حقوق ناچیز پرسنل فروشگاه‌های زنجیرهای فروشگاه‌های زنجیرهای با آن همه زرق و برق و شعبه‌ای که دارند اغلب جوانان کم سن و سال بی سابقه به خصوص دختران را به کار می گیرند. دختری ۲۳ ساله هستم که بعد از فارغ التحصیلی در یک فروشگاه زنجیرهای بنام مشغول به کار شده‌ام. ساعت کار فروشگاه از ۷صبح تا ۱۱ شب است و در باقتی من بدون استراحت و تعطیلی ۲ میلیون و ۲۰۰هزار تومان بدون بیمه، اگر هم اعتراض کنیم همین مختصر هم از دستم می‌رود. نه استراحت دارم و نه می توان بستگمان را ببینم حتی پدر و مادرم را کم می‌بینم. هیچ مأمور اداره کار و بیمه‌ای هم تا این لحظه که یکسال و اندی است شاغلم به این فروشگاه مراجعه نکرده در حالی که در سطح شهر قدم به قدم شعبه این فروشگاه‌ها است.

پیام	<div>تلاکرمبارمردم @bamardom_hamshahri</div>
سامانه سراسری برای ثبت نام تسهیلات دانشجویان راه اندازی شود	
یک سامانه یکپارچه و سراسری برای ثبت نام وام‌ها و تسهیلات بانخیستانگان تأمین اجتماعی در نظر بگیرند تا بانخیستانگان برای بهره‌مندی از این تسهیلات با رفتارهای سلبقه‌ای کانون وام‌ها مواجه نشوند. تصور کنید کار است یک وام ۵میلیونی بگیرد اگر در کانون از شما خوش شان نیاید ثبت نام منتفی است در حالی که اگر سامانه‌ای سراسری برای این قبیل امور باشد هیچ کم نمی‌تواند اعمال سلبقه کند و هر کسی براساس تن خودش از تسهیلات بهره‌مند می‌شود.	
بابایی از زنجان	

حقیابه هیرمند چه شد؟

هیرمند میاه حیات میسیستان و بلوچستان بوده و هست و مطابق تعهدات بین دو کشور بهر مند از این رود، قرار بوده حقیابه هیرمند داده شود، اما اکنون هیرمند خشکیده و کشاورزی سیستان و بلوچستان نابود شده، بسیاری مهاجرت کرده و بسیاری نیز با مشقت روزگار می گذراندند در حالی که اگر حقیابه هیرمند را بدهند صیادی و کشاورزی در منطقه دوباره رونق می‌گیرد و موضوع ریزگردها نیز تا حد زیادی کاهش می‌یابد.

از اجاره خانه‌های غیر متعارف مالیات چند برابر بگیرند
چنانچه صاحبخانه‌ای رقم غیر متعارفی پیشنهاد داد که مستأجر چاره‌ای جز قبول آن نداشت، مالیات سنگین تری از مالک بگیرند نه اینکه مالیات فقط مخصوص خانه‌های خالی باشد. بلکه چنین مالکی چند برابر مالیات بدهد تا طعم اجرای قانون را بچشد و دیگر چنین تکلیف ننهد.
منصور از تهران

اتحاد علیه آوار

گزارش خبرنگار اعزامی همشهری از ادامه عملیات آواربرداری متروپل آبادان



«ای اوایل، عزا و ماتمه» این نوای سوزناک عزاداری آبادانی‌ها شبکه‌های اجتماعی را پر کرده و خیلی‌ها با بازنشر آن با خانواده‌های داغدار ابراز همدردی می‌کنند. اما باید در آبادان باشد تا معنای واقعی عزاداری را متوجه شوید.

با اینکه تاکنون پیکر ۲۹ نفر کشف شده؛ اما تک‌تک آبادانی‌ها انتظار که هر زیر ترین افراد زندگی شان را از دست داده‌اند، در چنین شرایطی است که عملیات آواربرداری در ویرانه‌های متروپل همچنان ادامه دارد و بافته‌های خبرنگار اعزامی همشهری به آبادان زوایای تازه‌ای از این حادثه را روشن می‌کند؛ از ماجرای بوی تعفن در مخروبه متروپل تا سگ‌های در دسر ساز. گزارشی که می‌خوانید روایتی عینی است از آنچه در متروپل می‌گذرد.

با وزش هر بادی در خیابان امیری آسیادان، گردوغبار ویرانه متروپل، خیابان را پر می‌کند. حالا از آن برج باشکوه برزرق و بوق که در شرف افتتاح بود، جز مخروبه‌ای باقی نمانده است. ویرانه‌ای از آهن و بتن که فرو ریختن آن خانواده‌های زیادی را به عزای عزیزان شان نشاند. خیابان امیری این روزها به کارگاهی بزرگ تبدیل شده که در آن انواع خودروها و ادوات سنگین را می‌شود دید؛ از لودرها و بیل‌های مکانیکی غول پیکر تا جرثقیل‌های چندین تنی. همه این ادوات از شهرهای مختلف به آبادان منتقل شده تا در کواته‌ترین زمان ممکن آوار متروپل را بر بورد. ابتدا و انتهای خیابان و کویچه‌های فرعی با داربست‌های فلزی مسدود شده و به جز نیروهای امدادی، هیچ سگ اجازه ورود به آنجا ندارد. نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی مسئولیت برقراری نظم و امنیت را بر عهده دارند و خودروهای سنگین دالم در حال تردد در آنجا هستند. همه پاساژها و مغازه‌ها پس از این حادثه تعطیل شده و همه برای حادثه متروپل بسیج شده‌اند. بیل‌های مکانیکی با قدرت به جان بقایای متروپل افتاده‌اند اما هر تکه‌ای را که از آن جدا می‌کنند انگار که هنوز اتفاقی نیفتاده و تا پایان آواربرداری راه درازی در پیش است. کامیون‌های حمل نخله یکی پس از دیگری جای خود را به کامیون‌های خالی می‌دهند و این روند در جریان است. با هر چنگی که بیل مکانیکی به پیکره باقیمانده متروپل می‌زند، همه منتظر خبری از آنجا هستند؛ خبری که حالا پس از گذشت یک هفته از حادثه خانواده‌های افراد مفقوده متروپل، خود را برای شنیدن آن آماده کرده‌اند.

عطش در خیابان امیری

آفتاب در ظهر آبادان بی‌رحم‌تر از همیشه می‌تابد و نیروهای هلال احمر و آتش‌نشانان در گرمای طاقت‌فرسا مشغول کار هستند، اما این آبادانی‌های خونگرم هستند که با آب و انواع نوشیدنی‌های خنک خستگی را از تن آنها بیرون می‌کنند. زنی همراه دختر کوچکش سینه‌ی‌به‌دست گرفته و برای امدادگران نان و خرما آورده است. قبل از او هم مرد جوانی نوشابه‌هایی را که همراه با یخ در فرغون قرار داده بود، یک‌یک برای امدادگران باز و تعارف می‌کرد. او می‌گوید: شرمندهم که جز این کار، کار دیگری از دستم ساخته نیست. همین که امدادگران در این گرمایی تر و خستگی‌ه‌ده‌تر کنند برام کافی است.

آبادان شهر همه‌ماست

مرد جوان دیگری در حالی که عینک ریبن را روی بینی‌اش بالا می‌دهد، کیسه نایلونی مشککی را در دست جابه‌جا می‌کند. او و دوستانش زباله‌ها را از روی زمین جمع می‌کنند. حسین عساکره که ۴۰ساله و باستانی‌کار است، می‌گوید در این حادثه ۲۹ نفر از دوستانش را که کتاف‌کار بودند، از دست داده است. هم‌ا از چهارش می‌بارد. می‌گوید یک هفته تمام هر روز به اینجا می‌آید و چون کار دیگری از دستش برنمی‌آید همراه دوستانش زباله‌هایی را که در نزدیکی متروپل ریخته جمع می‌کند. به‌جز او چند نفر دیگر هم همین کار را انجام می‌دهد. آنها می‌گویند درست است که این حادثه همه‌مان را سیاه‌پوش کرده اما این روزهای تلخ هم می‌گذرد. آبادان شهر همه‌ماست و آن را می‌سازیم.

حوادث

استاندار خوزستان در گفت‌وگوی اختصاصی با همشهری:

در متروپل کمتر از ۱۰ نفر مفقودی داریم

این روزها استاندار خوزستان پرکارترین روزهای دوران مسئولیتش را سپری می‌کند. حادثه فروریختن متروپل سبب شده او نه تنها همه امکانات خوزستان را برای امداد‌رسانی بسیج کند بلکه برای تسریم در این روند دست باری به‌سوی سایر استان‌ها نیز دراز کرد. صادق خلیلیان، در گفت‌وگوی اختصاصی با همشهری به تشریح آخرین روند آواربرداری پرداخت و جزئیات بیشتری از آخرین اقدامات انجام شده را شرح داد.
آنطور که او می‌گوید به‌احتمال زیاد عملیات در آ‌روز آینده به پایان خواهد رسید و امیدوار است که شمار افراد زیر آوار مانده از ۱۰ نفر فراتر نرود.

از آخرین روند آواربرداری متروپل صحبت کنید. برای بیان هر چه سریع‌تر این عملیات چه برنامه‌ای دارید؟

روند آواربرداری به نحو احسن پیش می‌رود. در ۳ روز اخیر با پیوستن گروه‌های جدید و ماشین آلات این روند سرعت بیشتری گرفته‌ است. روزهای اول دقت بر این بود که افرادی که زیر آوار بودند را خارج کنیم. حالا با توجه به اینکه تعداد زیادی از این افراد خارج شدند سرعت کار بیشتر شده و در عین حال تمرکز کار در جاهایی است که احتمال دارد افرادی حضور داشته باشند تا بتوانیم آنها را خارج کنیم. بعد از این مرحله آواربرداری را به‌طور کامل به اتمام می‌رسانیم.

بعد از پایان جست‌وجوی اجساد و آواربرداری اولیه قرار است ویرانه‌های متروپل به چه سرنوشتی دچار شود؟

سنهٔ بعدی ما باقی‌مانده ساختمان است که بخش عمده‌ای از این ساختمان باقی مانده و ناپایدار است. بخشی از ساختمان فروریخته و بخش عمده‌ای از آن به‌صورت ناپایدار باقی مانده است. روی پایداری بخشی از آن کار شد و تیم‌هایی که در آنجا مشغول کار هستند با امنیت بیشتری به عملیات ادامه می‌دهند. در حال حاضر افراد را از صحنه خارج کردیم و هم‌اکنون ماشین آلات کار می‌کنند تا بتوانیم از خسارت‌های احتمالی آن پیشگیری کنیم. امیدوار هستیم طبق کارهای مقاوم‌سازی که انجام شده و بر آوردهایی که تهیه‌های کارشناسی انجام داده‌اند، ساختمان بتواند پایایی خود را تا پایان عملیات حفظ کند و تلفات جدیدی نداشته باشیم. بعد از آن مرحله، باقی‌مانده ساختمان را گروه‌های کارشناسی درباره پایایی و ایمنی آن اظهار نظر کنند که باید درباره آن چه تصمیمی گرفت و بعد از پایان آواربرداری آیا باید ساختمان را خراب کرد یا نه.

بر آورد می‌کنید که عملیات جست‌وجوی اجساد و آواربرداری اولیه جقدر طول بکشد؟

آواربرداری با سرعتی که گرفته‌بخش عمده‌ای از آن احتمالا تا ۲روز آینده به پایان می‌رسد. بعد هم بحث ساختمان می‌ماند.

شماره این مدت‌فهرستی از افراد مفقودی تشکیل داده‌اید؟ تصور می‌کنید

که چند نفر هنوز زیر آوار باقی مانده‌اند؟
با توجه به اینکه در مجاورت این ساختمان یک کویچه و یک خیابان قرار داشته و یک‌سری مغازه‌ها هم در طبقه همکف آن قرار داشتند که بیشتر آن فعال نبوده‌ است. با این حال مغازه فعال داشتیم که تلفاتی که به بار آمده از همین کویچه است. ابتدا پیش‌بینی می‌کردیم که کنار پاساژ تلفات داشته باشیم و اولویت‌مان را آنجا قرار دادیم اما به‌جز دفتر، این قسمت تلفات دیگری نداشت. به همین دلیل بر آوردهای اولیه تعدیل شد و از باطیای با برخی خانوارهایی که در اطراف حضور داشتند گرفته و به افرادی که مدعی بودند نزدیکان مفقود شده‌اند رجوع شد و این اطلاعات را جمع‌بندی کردیم.

در نخستین روز از وقوع این حادثه آماری در خصوص افراد گرفتار شده زیر آوار منتشر شد که برخی از این آمار نشان می‌داد تا ۱۰د نفر زیر آوار متروپل گرفتار شده‌اند. آیا شما این آمار را تایید می‌کنید؟

اصلا چنین آماری صحت ندارد. چون اگر درست بود خانواده‌ها هم مراجعه زیادی می‌کردند و منتظا باید آمار تلفات هم بالا می‌فت اما در آوار برداری که در مناطق حساس و جاهایی که پیش‌بینی می‌کردیم افراد در آنجا زیر آوار گرفتار شده‌اند انجام شد ۹د نفر فوت شده و تا کنون افراد در آنجا زیر آوار گرفتار نشده‌اند. در ۲۹د نفر فوت شده و تا کنون افراد در آنجا زیر آوار گرفتار نشده‌اند. اما به‌جز دفتر و یک یا دو نفر از مدعی بودند نزدیکان مفقود شده‌اند رجوع شد و این اطلاعات را جمع‌بندی کردیم.

با این توضیحات، بر آورد می‌کنید که چند نفر هنوز زیر آوار باقی مانده‌اند؟

اظهار نظر در این باره نمی‌سخت است.

کمتر از ۱۰د نفر هستند؟

حتما کمتر از ۱۰د نفر و در همین حدود هستند.

شنیده‌ها حاکی است که رئیس‌جمهور این حادثه را با دقت پیگیری می‌کند. ب‌له آقای رئیس‌جمهور مرتب پیگیری هستند و وزیر کشور هم به‌مدت هر روز در آبادان و در محل حادثه حضور داشتند. مسئولان یای کار بودند. رئیس هلال احمر از یک روز بعد از حادثه در اینجا حضور پیدا کرد. آتش‌نشانی تهران که تجربه حضور در حادثه پلاسکو را داشتند از همان روز اول از طریق دکتر مخبر هماهنگ کردیم و حضور پیدا کردند. سعی کردیم که ظرفیت‌های ملی را به‌کار ببریم. ساده به‌ماجر انگانه نکردیم و مسئولان ملی را متوجه عمق فاجعه کردیم. معاون اول رئیس‌جمهور در محل حادثه حضور پیدا کردند و همه این اقدامات کمک کرد تا سرعت آوار برداری را بیشتر کنیم و برنامه‌های لازم را برای پایداری بخش باقی‌مانده ساختمان داشته باشیم.

حمایت روانی از آسیب‌دیدگان

ریزش متروپل، علاوه بر قربانی کردن ده‌ها نفر در آبادان به روح و روان افراد زیادی در این شهر لطمه وارد کرده است. علاوه بر خانواده‌های قربانیان که هنوز مرگ عزیزان شان را باور ندارند، شهروندان نیز دچار آسیب و با خشم و هیجان زیادی شده‌اند. حاجی پور، معاون امور جوانان هلال احمر خوزستان که سرپرستی ۲گروه اعزامی هلال احمر برای کاهش آسیب‌های روحی شهروندان و خانواده‌های داغدار این شهر دارد، درباره اثر بخشی چنین فعالیت‌هایی به همشهری می‌گوید: هیجان و خشم ناشی از این حادثه در شهروندان موج می‌زند که من و همکارانم تلاش می‌کنیم تا با استفاده از تکنیک‌های مشاوره این هیجان را تخلیه کرده و به آنها آرامش بدهیم. ما حتی در برخی از چادرهای هلال احمر برای عزیزان از دست رفته، عزاداری برپا می‌کنیم تا بایا این کار بسا خانواده‌های داغدار و شهروندان همدردی کرده و از آرام‌شان کمک کنیم.

در انتظار مریم

یکی از قربانیان ریزش متروپل که نام و تصویرش در رسانه‌ها غوغای زیادی به پا کرده و دل خیلی‌ها را سوزانده، مریم کیمی نام دارد. او که با همسرش به تا زگی کافه مری را در طبقه همکف متروپل راه‌اندازی کرده بود، هنوز پیکرش کشف نشده و در شرایطی که پیکر شوهر و خواهر شوهرش به خاک سپرده شده، تلاش‌ها برای یافتن پیکر او همچنان ادامه دارد. شاید به همین دلیل است که جمعی از دوستان مریم از روز حادثه تاکنون در یکی از چادرهای هلال احمر تجمع کرده‌اند و منتظر خبری از دوستشان هستند. یکی از آنها می‌گوید: مریم ۹۶ساله بود که مادرش را از دست داد و خاله‌اش او را بزرگ کرد. او دختر مهربانی بود و به‌دلیل همین خصلتش بود که دوستان زیادی داشت و همه به او علاقه‌مند بودند. او و همسرش با عشق کافه‌شان را راه‌اندازی کرده بودند و آرزوهای بزرگی داشتند که حادثه متروپل همه آرزوهای‌شان را بر باد داد. از آن روز تاکنون ما اینجا هستیم تا خبری از مریم شود و تا هر وقت که لازم باشد در اینجا می‌مانیم.

افشای تازه

آنچه از گفته مسئولان درباره حادثه متروپل برمی‌آید، حکایت از تخلفات گسترده در این پروژه دارد. در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری گفت‌شب تلویزیون، مدیر کل دفتر ساختمان وزارت راه و شهرسازی از اعلام تخلفات این ساختمان به شهرداری آبادان و دادستانی مربوطه در سال ۹۶ اشاره کرد. حال آنکه در ادامه برنامه محمدرضا رضایی کوچی، رئیس کمیسیون عمران مجلس گفت: شهرداری آبادان مالک مشارکتی متروپل بوده است و به همین دلیل با اعلام تخلفات ساختمان به شهرداری، تعارض منافع صورت گرفته است. مجوز ۱ طبقه را به ۱۰ طبقه تغییر داده بودند و نه شهرداری و نه دادستانی آبادان و نه وزارت راه و شهرسازی به تذکرات و مکاتبات نظام مهندسی توجه نکرده بودند. رئیس کمیسیون عمران مجلس ادامه داد: تخلفات به قدری مزحز بود که افراد عادی هم با دیدن ساختمان متوجه آن می‌شدند. مکاتبات زیادی هم صورت گرفته‌توی‌ها اما انگار صرفا برای رفع تکلیف بوده‌اند.

همیشه‌ری

کواته از حادثه

قاتل مرد طلافروش

به دار مجازات آویخته شد

نقشه مردی که با همدستی ۲ نفر از دوستانش به یک طلافروشی دستبرد زده بودند با قتل طلافروش پایان یافت و عامل جنایت پس از گذشت ۳سال از حادثه به دار مجازات آویخته شد.
به گزارش همشهری، تحقیقات در این پرونده از سال ۹۸ شروع شد. در آن زمان گزارش ناپدید شدن مرد طلافروشی به پلیس اعلام شد و تیمی از مأموران، تحقیقات خود را برای یافتن او آغاز کردند. همسر این مرد گفت: شوهرم معمولا هر روز ظهر مغازه‌اش را تعطیل می‌کرد و به خانه می‌آمد تا پس از صرف ناهار و استراحت مجدداً به سر کارش بر گردد. او اما امروز به خانه نیامد و هر چه با موبایلش تماس گرفتم جوابم را نداد و بعد از یک ساعت هم تلفن همراهش خاموش شد. نگران شدم و به مغازه‌اش رفتم که کر کره مغازه‌اش پایین بود و کسی هم داخل مغازه نبود. نگرانم و احتمال می‌دهم بالای بر سر همسرم آمده باشد.

از لحظه‌ای که این زن گزارش ناپدید شدن شوهرش را به پلیس اعلام کرد، مأموران پلیس تحقیقات خود را در این باره آغاز کردند و برای کشف جزئیات بیشتر و مشخص شدن سرنوشت مرد گمشده، وارد مغازه طلافروشی وی شدند. تیم تحقیق در نخستین گام به بررسی مدارحی‌های مدارسته پرداختند و متوجه شدند زمانی که مرد طلافروش در حال بستن مغازه‌اش بوده، آمد با یک خودرو که آرم جعلی اورژانس اجتماعی داشت به سراغش آمده و او را سوار بر خودرو کرده و از محل رفته‌اند. دقیاقی بعد مرهمد مجددا به مغازه برگشته و در حالی که کلید داشتند در آنجا ربا ز کرده و لحظاتی بعد با ۲کیسه خارج شدند و در مغازه را بستند. مأموران در ادامه تحقیقات به‌استعلام شماره پلاک ماشین پرداختند و معلوم شد که پلاک متعلق به یک خودروی پراید سرتقی بوده‌ است. همچنان که تحقیقات برای رازگشایی از سرنوشت مرد طلافروش ادامه داشت، جسدی در اطراف کپرکیز کشف شد که مشخصات آن باطلافروش گمشده مطابقت داشت.

دراین شرایط پرونده جنایتی پیش روی باز پرس جنایتی تهران تشکیل شد و کار آگاهان را انجام بررسی‌های تخصصی به یکی از آشنایان مقتول رسیدند و او با بازداشت‌کردن. تحقیق از اسرار قتل مرد طلافروش را فاش کرد. وی گفت: من به همراه دو نفر از دوستانم نقشه سرقت از مغازه طلافروشی متروپل را کشیدیم اما قصدمان قتل نبود و فقط می‌خواستیم طلاها را سرقت کنیم. بااین این نقشه به قتل مرد طلافروش منجر شد. وی ادامه داد: می‌دانستم مقتول طلافروش است و وضع مالی خوبی دارم. روز حادثه دوستانم با لباس مخصوص به مقابل طلافروشی رفته و خودشان را از پرسنل اورژانس اجتماعی معرفی کردند و مدعی شدند که درباره همسر ساشن چند سؤال دارند. مرد طلافروش هم بدون اینکه مقاومتی کند سوار ماشین شد اما در بین راه فهمید که ما دروغ گفتیم به قصد سرقت داریم به همین دلیل شروع کرد به داد و فریاد را داد اذنتان که در همان لحظه یکی از دوستانم آمبول بیهوشی را به او تزریق کرد و بعد دوست دیگرم کلید مغازه را از جیبش برداشت و با هم وارد مغازه شدیم. پس از آنکه طلاها را سرقت کردیم، به سمت حاشیه تهران رقیتم تا مرد طلافروش را در جای خلوتی رها کنیم اما متوجه شدیم او فوت شده است. با اعتراض وی، ۲ مجرم دیگر دستگیر شدند و متهم به قتل که آمبول بیهوشی را به مقتول تزریق کرده بود در بازجویی‌ها گفت: من هرگز متوروش را نمی‌کردم که با تزریق آمبول جان مرد طلافروش را بگیرم و حالا به‌شدت پشیمانم.

متهمان این پرونده پس از مدتی در دادگاه کیفری پای میز محاکمه رفتند که متهم ردیف اول همان فردی که آمبول بیهوشی را به مرد طلافروش تزریق کرده بود به‌سبب قصاص و ۲نفر دیگر به زندان محکوم شدند. باقطعی شدن حکم مرگ مجرم ردیف اول، وی چند روز قبل پای چوبه دار رفت و قصاص شد.



موبایل قاچی به قیمت

جان سارق تمام شد

۲ سارق موتورسوار که به‌صورت سریالی موبایل قاچی می‌کردند هنگام فرار با خودرویی تصادف کردند و یکی از آنها جانش را از دست داد.

به گزارش همشهری، این حادثه چند روز قبل در یکی از خیابان‌های مرگزی پایتخت رخ داد. ماجرا از این قرار بود که ۲سارق سوار بر موتور بودند که پس از قاپیدن موبایل یکی از طعمه‌هایشان اقدام به فرار کردند. مالباخته فریاد می‌کشید و مردم درخواست کمک می‌کرد. همین باعث شد تا سارقان دستپاچه شوند و هنگام فرار با خودرویی تصادف کنند. این تصادف به‌واژگون شدن موتور منجر شد و یکی از سارقان نیز به‌شدت زخمی شده و از هوش رفت. سارق دوم با وجود اینکه آسیب دیده و در تصادف زخمی شده بود قصد فرار داشت اما در محاصره مردم گرفتار شد. دقیاقی از این حادثه می‌گذشت که پلیس اورژانس در محل حاضر شدند و مجروحان این حادثه نیز به بیمارستان انتقال یافتند. ۲ر تحت درمان قرار گرفتند که اقدامات درمانی برای نجات یکی از آنها فایده‌ای نداشت و به کام مرگ رفت. در ادامه تحقیقات مشخصی شد که سارقان سوار بر موتور بودند و نه شهرداری و نه دادستانی موبایل قاچی می‌کردند اما چند ثانیه پس از آخرین سرقت خود دچار حادثه شدند که مرگ یکی از سارقان را رقم زد. متهم دیگر نیز پس از درمان به دادسرای ناحیه ۳۴تهران انتقال یافت و در بازجویی‌ها به موبایل قاچی‌های سریالی اقرار کرد. تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.